



ماها را در این دیگ بزرگ طبیعت که باطنش چشمت آتش ریخته و زیر و بالا یی کنند و به غلیان می آردند تا چمنی‌ها ممتز شوند. متوجه باشید خدای نخواستست (چمنی‌ها نشود سازش باطلام چمنی بزرگ‌ترین و باارزترین آتش چمنی است.شماها از آنها نباشید.

صحیفه امام: ج۲؛ ص: ۱۳۶ | تاریخ: ۶ خرداد ۱۳۴۶



فرزاهایی از حیات مقدس امام عسکری ^(ع)

در رثای خورشید تابان سامرا

سیدالاحسن موسوی طباطبایی
ابومحمد امام حسن عسکری علیه‌السلام یازدهمین پیشوای اهل بیت است. همان خدائنی که خداوند در قرآن کریم به عصمت و پاکیزان شهادت داده و چهارپایان و رسول گرمای اسلام(ص) نیز به امتشانتان تصریح فرموده است. آن حضرت در ۸ ربیع الثانی ۱۳۲۲ ق در شهر مدینه منوره گردید و در ۸ ربیع الاول ۲۴۰ توسط معتمد عباسی، خلیفه وقت مسموم گردید و همچون پدران بزرگ خود، مظلومه به شهادت رسید.

امام عسکری(ع) در علت دشمنی خداوند شگاف با اهل بیت چنین فرموده‌اند:

«فَدُ وُضِعَ ثَوْبُ آتَمِهِ وَ ثَوْبُ الْغُلَامِ سُوفِيَهُمْ غُلَامًا لَعْنَتَيْنِ:»
بنی امیه و بنی عباس به دو علت دشمنی‌هایشان را بر ما خاندان رسول خدا(ص) نهاده‌اند: یکی آنکه می‌دانستند در خلافت و حضرت قائم(ع) باقی‌مانده خلیفه حقی ندارند و بی‌بمانا بودند مبداءا اما ادعای خلافت کنید و حاکمیت به جایگاه اصلی خود بازگردند و دلیل دوم آنکه طبق روایات متواتر، به خوبی آگاه بودند سرانجام سلطنت جباران و ستمگران، به دست امام قائم ما نابود خواهد شد.

اما هیچ تردیدی نداشتند که خودشان از ظالمان و ستم پیشگاندند، به همین دلیل در کشتار اهل بیت پیامبر صلی‌الله علیه و آله و نابدوی نسل او هیچ کوتاهی نکردند به امید آنکه از ولایت اهل بیت قائم(ع)رواضا(فاد) جلوگیری نمایند یا را به قتل برسانند. اما خداوند متعال نخواست امر امام قائم(عج) بر این ستمگران آشکار گردد. بلکه اراده فرموده بود نور خود را کامل کند، اگرچه کافران خوش نداشتند باشند.»

(الثابت الباطنی والمبصوب و المعجزات ۱۹۷۵)

بر اساس این حدیث نورانی، حکومت‌های جور و ستم به بطلان جایگاه خود واقف بودند و می‌دانستند استقرار قدرتشان بر اساس زور و سرزین‌زور است نه خشودنی و رضایت مردم. آنان پایهای سلطنت خود را به مدد خشونت و ارعاب و قتل محکم کرده بودند و هیچ موقعیتی در میان مردم نداشتند.بر خلاف خاندان طای پیاپیمبر(ص) که بر جان‌ها و قلوب توده‌ها حکومت می‌کردند و بر این افشار مردم محبوبیت خارق العاده‌ای داشتند.

آن می‌دیدند امامان تشیع با وجود فضائل بیکران و شرافت و اصالت ذاتی خود، در کمال زهد و بی‌نیایی‌به به‌مظاهر بهرامی می‌نگذد. آنان نه مدد و حمشی دارند و نه کاخ و کاخ و امام مادی.

با این وجود پناه جهانیشان هستند و مردم را هر سو رو به آنان می‌آورند و نیازهای خود را با توسل به ایشان مرتفع می‌سازند.اعتقاد جامعه بر این بود که اهل بیت رسول خدا(ص)، صلح همه خوبی‌ها را در خود جمع کرده‌اند و جوامع‌ری هستند و هیچ کس را از استانه خود بیرون نمی‌گذارند.

اقبال توده‌ها به اهل بیت(ع) و وجاهی که نزد مردم داشتند،دستگاه خلافت را نگران می‌کرد. این آهسته آهسته یکامداد بودند که مبداء امامان شیعه با ادعای جانشینی پیامبر، پنهانی به دنبال صلاح و عدالت بودند. از این رو به هدف مبارزه با حسن شهرت خاندان رسالت و بر آورده ساختن مردم از پیروانشان، نگهبانی می‌گذاشتند و مانع رفت و آمدها می‌شدند.

از طرفی روایات فراوانی وجود داشت که متضمن ظهور مهدی امت(عج) بود. در این روایات، رسول خدا(ص) اعلام کرده بود که وعده امام آخر حجت خدا ظهور خواهد کرد و در زمان و طایمان، حکومت‌های جور را از بین خواهد برد. خلافتی جور برای محقق نشدن این وعده الهی، مبارزه دامنهداری را (با خاندان عصمت و طهارت) آغاز نموده و پیوسته، آنان را تحت تعقیب قرار می‌داندند و این راه از راه هیچ سخنگیری و جنایتی کوتاه نمی‌کردند.

این سیرایش پدید آمدن و به تدریج بود، که وقتی نبوت به امام هادی علیه‌السلام رسید، خلیفه وقت آن حضرت را به سامرا احضار کرد. امام عسکری در آن زمان دو سال داشت که همراه پدر بزرگوار خود را همراه سامرا شد. آنده گتمم عباسی با این کار می‌خواست امام هادی(ع) را تحت نظر داشتند. خود ظاهر شده باشند. اما امام هادی به سامرا نرفت و از ادبیت خلفا آسوده نبود تا سرانجام پس از ۲۰ سال، توسط متوکل خلیفه ستمگر عباسی به شهادت رسید.

امام عسکری امام حسن عسکری علیه‌السلام را پدر در سن ۲۲ سالگی پدر حیات برادر به دست گرفت و در سخت‌ترین شرایط به ادای وظیفه ای خود پرداخت. زیرا طبق روایات نبوی، قائم آل محمد (ع) ارواحا فادیه، فرزند امام عسکری(ع) به شمار می‌رفت و بدین سبب دستگاه خلافت، آن حضرت را تحت نظارت‌های شدید قرار داده بود. به حدی که حتی نایل قلبیای مأموریت داشتند به منزل امام(ع) رفت و آمد کنند و احیاناً اگر بخواهی بارباری (از دیدند گزارش دهند. از این رو مبداء و طایمان، علیه‌السلام، معجزوار و به صورت کاملا پوشیده و مخفی صورت گرفت و حتی سبب پیشی از آن ولادت مبارک، آثار تحمل بر راه واهم ماحده حضرتن شش ظاهر نشود.)

امام عسکری(ع) تقریبا همه راه عمر شریف خود را در تبعید با نیت از دنیا رفتن به سر برد. دو ساله بود که با امام هادی علیه‌السلام به سامرا آمد و به مدت ۲۰ سال همراه پدر، گاه در زندان و گاه تحت نظارت شدید به سر برد و پس از شش سال مدت امامت آن حضرت که کوتاهترین دوره امامت در بین پیشوایان تشیع است، این شرایط ادامه داشت. بدین سبب شیعیان نمی‌توانستند به راحتی نزد امام خود شایسته و با آن حضرت دیدار کنند.

رای نقل می‌کند می‌خواستیم به حضور امام عسکری(ع) شرفیاب شوم و مشکل خود را با آن حضرت در میان گذارم. اما اجازه نمی‌دادند کسی به حضور آن حضرت برسد. برخی گفتند امروز خلیفه، ما را حاضر نموده است و می‌توانی مطلب خود را در بین برادر ها امام هادی گفتی. کنسی وی می‌گوید من در میانه راه منتظر ماندم اما از فرط سستی که کنار کوچه به خواب رفتم، به ناگاه متوجه شدم کسی چویدستی خود را بر شانه من گذاشته است. چشم گشودم امام عسکری(ع) را دیدم که در امتداد راه می‌رفت و در همان حال بدون اینکه پرسشی کنم، پالسخر مرا فرمود و چون تحت نظر بود نتوانستیم با آن حضرت بیشتر گفتگو کنم.

امام عسکری(ع) در دوران شش ساله امامت خود با سه خلیفه عباسی همراه عصر بود. معزز، مهدی و معتمد. آن معجزات و کرامات فراوانی از حضرتش می‌دیدند،اما به نیتا ایمان نمی‌آوردند و تسلیم نمی‌شدند، بلکه آن امام مظلوم را مورد آذیت و آزار نیز قرار می‌دادند.

هنگامی که امام عسکری علیه‌السلام در زمان صلاح بن صغیر محبوس بود، عدلی از بنی عباس نزد وی رفتند و سفارش می‌کردند تا می‌توانی با این صحت باقی و اسبابش را از اسلب صلح گفت. چگونگی بر او سخت بگیرم؟! در حالی که دو نفر از شرورترین افراد خود را بر او گذاشتند و وی طایلی نکشید که آن دو اهل عبادت و تقوی الهی شدند. آنها حجاج بن وصیف در حضور عباسیان از دو نگهبان را احضار نمود و گفتن وای بر شما درباره زندانی خود که نامش شب را داردید بدیدید! گفتند چه می‌خواهید درباره کسی که روزها را به روزی میرود و زندانی خود تمام شب را عبادت و مناجات به هیچ می‌رساند که کسی سخن نمی‌گوید و به چیزی جز عبادت اشتغال ندارد و چون به ما می‌نگرد لرزه بر اندام ما می‌افتد به گونه‌ای که اختیار از تکف می‌دهیم. عباسیان چون این اعتراض را شنیدند دست خالی باز نداشتند.

علامه مجلسی (ع) قول قعیمی دعای علت باعث پازدهم را که متعلق است به وجود مقدس امام عسکری علیه‌السلام چنین آورده است: «یا بلام الله الحسین بنی‌آلِ عَدیَّ اَللّٰی طَرَحَ لَلْبِشَاج فُخْلَمَتَهُ من مَریضَها و اَمْتَنَ اَبْلاَوتَها لَلْعَدْلِ لَمَّا کَرِهَها» و متوسل به امام حسن بن علی علیه‌السلام می‌شوم امامی که در قفسش شیران انداخته شد و تو او را نجات دادی و با چارچاپان جوش و سرکش آنزده شده شد و تو آنها را برایشان رام نمودی(بحارالانوار ۸۶۳۲) این قرار دعا بود که او خدائهای داد و به کنه آن دست بسپاری (از جمله زاهد سفید قلند است.

۱. امام عسکری را به تبعیر سپردند وی در امام بسیار سخت می‌گرفت و از آزار آن حضرت هیچ کوتاهی نمی‌کرد. محضر حاکم و از این کار حذر داشت و گفت از خدا بترس که اینچنین اسلشی را با چنین محکم‌های عبادت آزار برسانی. آنچه را که زجر پاشخ داد در نهادت از امر کوتاهی نمی‌کنم بلکه او را بین درندگان می‌اندام. سپس از خلیفه اجازه گرفت و امام را در قفس درندگان انداخت. وی هیچ تردیدی نداشت که امام معتمد شیران می‌شود. پس از مدتی مأموران امام را کشته کردند تا ببینند چه اتفاقی افتاده است. ولی برخلاف انتظار، امام در سلامت کامل و به نماز ایستاده و شیران گرداگرد حاشی را احاطه کرده بودند. تحریر بلافاصله دستور داد امام را خارج کرده و به منزل ببرد.

۲. در اسبطل مستعین خلیفه عباسی، استسری بود به غایت بزرگ و زیبا اما به هیچ کیس سوارای نمی‌داد. پرورش‌دهندگان اسب هم موفق به رام کردن او نشده بودند. تا اینکه یکی از نزدیکان خلیفه به وی گفت نظر من این است که حسن بن رضا(امام عسکری را بخوابی تا این لیست را بر کند و یا بر اثر ضربه حیات کشته شود.

خبر را شنید و او را پرسیدند آیا می‌توانی امام عسکری(ع)موت به عمل آورد. چون آن حضرت وارد شد، نگاهش به استر که در محوطه خانه ایستاده بود افتاد. حضرت دست مبارک خود را بر پشت او گذاشت. رای وی گوید استر را دیدم چنان کرد که آب از بدنش جاری شد و بر زمین ریخت. گناهان او را ستمیند رفت. خلیفه از آن دیدم که خیر است. استر را نگام زد و زین کند و بر آن سوار شود. چون بطور بود؛ فرمود زینبار او را نددیدم. آنگاه خلیفه استر را به امام عسکری بخشید. سرانجام معتمد عباسی که نمی‌توانست وجود مقدس امام عسکری علیه‌السلام را تحمل کند، آن حضرت را در عنوان جوانی و در سن ۲۸ سالگی مسموم کرد و به شهادت رسانید.

غلام آن حضرت می‌گوید:آن جناب جمعه هجسته به بیت‌العالی مسلم ۲۴۰ امام عسکری علیه‌السلام به شهادت رسید. در محضر شریف او جز فرزند بزرگوارش حضرت حجت(عج) و

روزنامه عبری «هاآرتص» با اشاره به اینکه ترامپ هیچ راهی پیشش روی خود نمی‌بیند و به نفع ایران است.

روزنامه بوکسوری کور شده‌است، اعلام کرد: زمان به نفع ایران است.

صد و هفتاد و سومین روز جنگ پس اعتراف اندیشکده JCFA و روزنامه عبری هاآرتص همزمان جانشینی پیامبر به عنوان حقی ندارند و بی‌بمانا بودند مبداءا اما ادعای خلافت کنید و حاکمیت به جایگاه اصلی خود بازگردند و دلیل دوم آنکه طبق روایات متواتر، به خوبی آگاه بودند سرانجام سلطنت جباران و ستمگران، به دست امام قائم ما نابود خواهد شد.

اما هیچ تردیدی نداشتند که خودشان از ظالمان و ستم پیشگاندند، به همین دلیل در کشتار اهل بیت پیامبر صلی‌الله علیه و آله و نابدوی نسل او هیچ کوتاهی نکردند به امید آنکه از ولایت اهل بیت قائم(ع)رواضا(فاد) جلوگیری نمایند یا را به قتل برسانند. اما خداوند متعال نخواست امر امام قائم(عج) بر این ستمگران آشکار گردد. بلکه اراده فرموده بود نور خود را کامل کند، اگرچه کافران خوش نداشتند باشند.»

امام عسکری(ع) در علت دشمنی خداوند شگاف با اهل بیت چنین فرموده‌اند:

«فَدُ وُضِعَ ثَوْبُ آتَمِهِ وَ ثَوْبُ الْغُلَامِ سُوفِيَهُمْ غُلَامًا لَعْنَتَيْنِ:»
بنی امیه و بنی عباس به دو علت دشمنی‌هایشان را بر ما خاندان رسول خدا(ص) نهاده‌اند: یکی آنکه می‌دانستند در خلافت و حضرت قائم(ع) باقی‌مانده خلیفه حقی ندارند و بی‌بمانا بودند مبداءا اما ادعای خلافت کنید و حاکمیت به جایگاه اصلی خود بازگردند و دلیل دوم آنکه طبق روایات متواتر، به خوبی آگاه بودند سرانجام سلطنت جباران و ستمگران، به دست امام قائم ما نابود خواهد شد.

اما هیچ تردیدی نداشتند که خودشان از ظالمان و ستم پیشگاندند، به همین دلیل در کشتار اهل بیت پیامبر صلی‌الله علیه و آله و نابدوی نسل او هیچ کوتاهی نکردند به امید آنکه از ولایت اهل بیت قائم(ع)رواضا(فاد) جلوگیری نمایند یا را به قتل برسانند. اما خداوند متعال نخواست امر امام قائم(عج) بر این ستمگران آشکار گردد. بلکه اراده فرموده بود نور خود را کامل کند، اگرچه کافران خوش نداشتند باشند.»

(الثابت الباطنی والمبصوب و المعجزات ۱۹۷۵)

بر اساس این حدیث نورانی، حکومت‌های جور و ستم به بطلان جایگاه خود واقف بودند و می‌دانستند استقرار قدرتشان بر اساس زور و سرزین‌زور است نه خشودنی و رضایت مردم. آنان پایهای سلطنت خود را به مدد خشونت و ارعاب و قتل محکم کرده بودند و هیچ موقعیتی در میان مردم نداشتند.بر خلاف خاندان طای پیاپیمبر(ص) که بر جان‌ها و قلوب توده‌ها حکومت می‌کردند و بر این افشار مردم محبوبیت خارق العاده‌ای داشتند.

آن می‌دیدند امامان تشیع با وجود فضائل بیکران و شرافت و اصالت ذاتی خود، در کمال زهد و بی‌نیایی‌به به‌مظاهر بهرامی می‌نگذد. آنان نه مدد و حمشی دارند و نه کاخ و کاخ و امام مادی. با این وجود پناه جهانیشان هستند و مردم را هر سو رو به آنان می‌آورند و نیازهای خود را با توسل به ایشان مرتفع می‌سازند.اعتقاد جامعه بر این بود که اهل بیت رسول خدا(ص)، صلح همه خوبی‌ها را در خود جمع کرده‌اند و جوامع‌ری هستند و هیچ کس را از استانه خود بیرون نمی‌گذارند.

اقبال توده‌ها به اهل بیت(ع) و وجاهی که نزد مردم داشتند،دستگاه خلافت را نگران می‌کرد. این آهسته آهسته یکامداد بودند که مبداء امامان شیعه با ادعای جانشینی پیامبر، پنهانی به دنبال صلاح و عدالت بودند. از این رو به هدف مبارزه با حسن شهرت خاندان رسالت و بر آورده ساختن مردم از پیروانشان، نگهبانی می‌گذاشتند و مانع رفت و آمدها می‌شدند.

از طرفی روایات فراوانی وجود داشت که متضمن ظهور مهدی امت(عج) بود. در این روایات، رسول خدا(ص) اعلام کرده بود که وعده امام آخر حجت خدا ظهور خواهد کرد و در زمان و طایمان، حکومت‌های جور را از بین خواهد برد. خلافتی جور برای محقق نشدن این وعده الهی، مبارزه دامنهداری را (با خاندان عصمت و طهارت) آغاز نموده و پیوسته، آنان را تحت تعقیب قرار می‌داندند و این راه از راه هیچ سخنگیری و جنایتی کوتاه نمی‌کردند.

این سیرایش پدید آمدن و به تدریج بود، که وقتی نبوت به امام هادی علیه‌السلام رسید، خلیفه وقت آن حضرت را به سامرا احضار کرد. امام عسکری در آن زمان دو سال داشت که همراه پدر بزرگوار خود را همراه سامرا شد. آنده گتمم عباسی با این کار می‌خواست امام هادی(ع) را تحت نظر داشتند. خود ظاهر شده باشند. اما امام هادی به سامرا نرفت و از ادبیت خلفا آسوده نبود تا سرانجام پس از ۲۰ سال، توسط متوکل خلیفه ستمگر عباسی به شهادت رسید.

امام عسکری امام حسن عسکری علیه‌السلام را پدر در سن ۲۲ سالگی پدر حیات برادر به دست گرفت و در سخت‌ترین شرایط به ادای وظیفه ای خود پرداخت. زیرا طبق روایات نبوی، قائم آل محمد (ع) ارواحا فادیه، فرزند امام عسکری(ع) به شمار می‌رفت و بدین سبب دستگاه خلافت، آن حضرت را تحت نظارت‌های شدید قرار داده بود. به حدی که حتی نایل قلبیای مأموریت داشتند به منزل امام(ع) رفت و آمد کنند و احیاناً اگر بخواهی بارباری (از دیدند گزارش دهند. از این رو مبداء و طایمان، علیه‌السلام، معجزوار و به صورت کاملا پوشیده و مخفی صورت گرفت و حتی سبب پیشی از آن ولادت مبارک، آثار تحمل بر راه واهم ماحده حضرتن شش ظاهر نشود.)

امام عسکری(ع) تقریبا همه راه عمر شریف خود را در تبعید با نیت از دنیا رفتن به سر برد. دو ساله بود که با امام هادی علیه‌السلام به سامرا آمد و به مدت ۲۰ سال همراه پدر، گاه در زندان و گاه تحت نظارت شدید به سر برد و پس از شش سال مدت امامت آن حضرت که کوتاهترین دوره امامت در بین پیشوایان تشیع است، این شرایط ادامه داشت. بدین سبب شیعیان نمی‌توانستند به راحتی نزد امام خود شایسته و با آن حضرت دیدار کنند.

رای نقل می‌کند می‌خواستیم به حضور امام عسکری(ع) شرفیاب شوم و مشکل خود را با آن حضرت در میان گذارم. اما اجازه نمی‌دادند کسی به حضور آن حضرت برسد. برخی گفتند امروز خلیفه، ما را حاضر نموده است و می‌توانی مطلب خود را در بین برادر ها امام هادی گفتی. کنسی وی می‌گوید من در میانه راه منتظر ماندم اما از فرط سستی که کنار کوچه به خواب رفتم، به ناگاه متوجه شدم کسی چویدستی خود را بر شانه من گذاشته است. چشم گشودم امام عسکری(ع) را دیدم که در امتداد راه می‌رفت و در همان حال بدون اینکه پرسشی کنم، پالسخر مرا فرمود و چون تحت نظر بود نتوانستیم با آن حضرت بیشتر گفتگو کنم.

امام عسکری(ع) در دوران شش ساله امامت خود با سه خلیفه عباسی همراه عصر بود. معزز، مهدی و معتمد. آن معجزات و کرامات فراوانی از حضرتش می‌دیدند،اما به نیتا ایمان نمی‌آوردند و تسلیم نمی‌شدند، بلکه آن امام مظلوم را مورد آذیت و آزار نیز قرار می‌دادند.

هنگامی که امام عسکری علیه‌السلام در زمان صلاح بن صغیر محبوس بود، عدلی از بنی عباس نزد وی رفتند و سفارش می‌کردند تا می‌توانی با این صحت باقی و اسبابش را از اسلب صلح گفت. چگونگی بر او سخت بگیرم؟! در حالی که دو نفر از شرورترین افراد خود را بر او گذاشتند و وی طایلی نکشید که آن دو اهل عبادت و تقوی الهی شدند. آنها حجاج بن وصیف در حضور عباسیان از دو نگهبان را احضار نمود و گفتن وای بر شما درباره زندانی خود که نامش شب را داردید بدیدید! گفتند چه می‌خواهید درباره کسی که روزها را به روزی میرود و زندانی خود تمام شب را عبادت و مناجات به هیچ می‌رساند که کسی سخن نمی‌گوید و به چیزی جز عبادت اشتغال ندارد و چون به ما می‌نگرد لرزه بر اندام ما می‌افتد به گونه‌ای که اختیار از تکف می‌دهیم. عباسیان چون این اعتراض را شنیدند دست خالی باز نداشتند.

علامه مجلسی (ع) قول قعیمی دعای علت باعث پازدهم را که متعلق است به وجود مقدس امام عسکری علیه‌السلام چنین آورده است: «یا بلام الله الحسین بنی‌آلِ عَدیَّ اَللّٰی طَرَحَ لَلْبِشَاج فُخْلَمَتَهُ من مَریضَها و اَمْتَنَ اَبْلاَوتَها لَلْعَدْلِ لَمَّا کَرِهَها» و متوسل به امام حسن بن علی علیه‌السلام می‌شوم امامی که در قفسش شیران انداخته شد و تو او را نجات دادی و با چارچاپان جوش و سرکش آنزده شده شد و تو آنها را برایشان رام نمودی(بحارالانوار ۸۶۳۲) این قرار دعا بود که او خدائهای داد و به کنه آن دست بسپاری (از جمله زاهد سفید قلند است.

۱. امام عسکری را به تبعیر سپردند وی در امام بسیار سخت می‌گرفت و از آزار آن حضرت هیچ کوتاهی نمی‌کرد. محضر حاکم و از این کار حذر داشت و گفت از خدا بترس که اینچنین اسلشی را با چنین محکم‌های عبادت آزار برسانی. آنچه را که زجر پاشخ داد در نهادت از امر کوتاهی نمی‌کنم بلکه او را بین درندگان می‌اندام. سپس از خلیفه اجازه گرفت و امام را در قفس درندگان انداخت. وی هیچ تردیدی نداشت که امام معتمد شیران می‌شود. پس از مدتی مأموران امام را کشته کردند تا ببینند چه اتفاقی افتاده است. ولی برخلاف انتظار، امام در سلامت کامل و به نماز ایستاده و شیران گرداگرد حاشی را احاطه کرده بودند. تحریر بلافاصله دستور داد امام را خارج کرده و به منزل ببرد.

۲. در اسبطل مستعین خلیفه عباسی، استسری بود به غایت بزرگ و زیبا اما به هیچ کیس سوارای نمی‌داد. پرورش‌دهندگان اسب هم موفق به رام کردن او نشده بودند. تا اینکه یکی از نزدیکان خلیفه به وی گفت نظر من این است که حسن بن رضا(امام عسکری را بخوابی تا این لیست را بر کند و یا بر اثر ضربه حیات کشته شود.

خبر را شنید و او را پرسیدند آیا می‌توانی امام عسکری(ع)موت به عمل آورد. چون آن حضرت وارد شد، نگاهش به استر که در محوطه خانه ایستاده بود افتاد. حضرت دست مبارک خود را بر پشت او گذاشت. رای وی گوید استر را دیدم چنان کرد که آب از بدنش جاری شد و بر زمین ریخت. گناهان او را ستمیند رفت. خلیفه از آن دیدم که خیر است. استر را نگام زد و زین کند و بر آن سوار شود. چون بطور بود؛ فرمود زینبار او را نددیدم. آنگاه خلیفه استر را به امام عسکری بخشید. سرانجام معتمد عباسی که نمی‌توانست وجود مقدس امام عسکری علیه‌السلام را تحمل کند، آن حضرت را در عنوان جوانی و در سن ۲۸ سالگی مسموم کرد و به شهادت رسانید.

غلام آن حضرت می‌گوید:آن جناب جمعه هجسته به بیت‌العالی مسلم ۲۴۰ امام عسکری علیه‌السلام به شهادت رسید. در محضر شریف او جز فرزند بزرگوارش حضرت حجت(عج) و

اخبار کشور

گزارش روز رود و هفتاد و سوم جنگ

هاآرتص: زمان به نفع ایران می‌گردد

ترامپ مانند یک بوکسور کور شده است

روزنامه عبری «هاآرتص» با اشاره به اینکه ترامپ هیچ راهی پیشش روی خود نمی‌بیند و به نفع ایران است.

روزنامه بوکسوری کور شده‌است، اعلام کرد: زمان به نفع ایران است.

صد و هفتاد و سومین روز جنگ پس اعتراف اندیشکده JCFA و روزنامه عبری هاآرتص همزمان جانشینی پیامبر به عنوان حقی ندارند و بی‌بمانا بودند مبداءا اما ادعای خلافت کنید و حاکمیت به جایگاه اصلی خود بازگردند و دلیل دوم آنکه طبق روایات متواتر، به خوبی آگاه بودند سرانجام سلطنت جباران و ستمگران، به دست امام قائم ما نابود خواهد شد.

اما هیچ تردیدی نداشتند که خودشان از ظالمان و ستم پیشگاندند، به همین دلیل در کشتار اهل بیت پیامبر صلی‌الله علیه و آله و نابدوی نسل او هیچ کوتاهی نکردند به امید آنکه از ولایت اهل بیت قائم(ع)رواضا(فاد) جلوگیری نمایند یا را به قتل برسانند. اما خداوند متعال نخواست امر امام قائم(عج) بر این ستمگران آشکار گردد. بلکه اراده فرموده بود نور خود را کامل کند، اگرچه کافران خوش نداشتند باشند.»

(الثابت الباطنی والمبصوب و المعجزات ۱۹۷۵)

بر اساس این حدیث نورانی، حکومت‌های جور و ستم به بطلان جایگاه خود واقف بودند و می‌دانستند استقرار قدرتشان بر اساس زور و سرزین‌زور است نه خشودنی و رضایت مردم. آنان پایهای سلطنت خود را به مدد خشونت و ارعاب و قتل محکم کرده بودند و هیچ موقعیتی در میان مردم نداشتند.بر خلاف خاندان طای پیاپیمبر(ص) که بر جان‌ها و قلوب توده‌ها حکومت می‌کردند و بر این افشار مردم محبوبیت خارق العاده‌ای داشتند.

آن می‌دیدند امامان تشیع با وجود فضائل بیکران و شرافت و اصالت ذاتی خود، در کمال زهد و بی‌نیایی‌به به‌مظاهر بهرامی می‌نگذد. آنان نه مدد و حمشی دارند و نه کاخ و کاخ و امام مادی. با این وجود پناه جهانیشان هستند و مردم را هر سو رو به آنان می‌آورند و نیازهای خود را با توسل به ایشان مرتفع می‌سازند.اعتقاد جامعه بر این بود که اهل بیت رسول خدا(ص)، صلح همه خوبی‌ها را در خود جمع کرده‌اند و جوامع‌ری هستند و هیچ کس را از استانه خود بیرون نمی‌گذارند.

اقبال توده‌ها به اهل بیت(ع) و وجاهی که نزد مردم داشتند،دستگاه خلافت را نگران می‌کرد. این آهسته آهسته یکامداد بودند که مبداء امامان شیعه با ادعای جانشینی پیامبر، پنهانی به دنبال صلاح و عدالت بودند. از این رو به هدف مبارزه با حسن شهرت خاندان رسالت و بر آورده ساختن مردم از پیروانشان، نگهبانی می‌گذاشتند و مانع رفت و آمدها می‌شدند.

از طرفی روایات فراوانی وجود داشت که متضمن ظهور مهدی امت(عج) بود. در این روایات، رسول خدا(ص) اعلام کرده بود که وعده امام آخر حجت خدا ظهور خواهد کرد و در زمان و طایمان، حکومت‌های جور را از بین خواهد برد. خلافتی جور برای محقق نشدن این وعده الهی، مبارزه دامنهداری را (با خاندان عصمت و طهارت) آغاز نموده و پیوسته، آنان را تحت تعقیب قرار می‌داندند و این راه از راه هیچ سخنگیری و جنایتی کوتاه نمی‌کردند.

این سیرایش پدید آمدن و به تدریج بود، که وقتی نبوت به امام هادی علیه‌السلام رسید، خلیفه وقت آن حضرت را به سامرا احضار کرد. امام عسکری در آن زمان دو سال داشت که همراه پدر بزرگوار خود را همراه سامرا شد. آنده گتمم عباسی با این کار می‌خواست امام هادی(ع) را تحت نظر داشتند. خود ظاهر شده باشند. اما امام هادی به سامرا نرفت و از ادبیت خلفا آسوده نبود تا سرانجام پس از ۲۰ سال، توسط متوکل خلیفه ستمگر عباسی به شهادت رسید.

امام عسکری امام حسن عسکری علیه‌السلام را پدر در سن ۲۲ سالگی پدر حیات برادر به دست گرفت و در سخت‌ترین شرایط به ادای وظیفه ای خود پرداخت. زیرا طبق روایات نبوی، قائم آل محمد (ع) ارواحا فادیه، فرزند امام عسکری(ع) به شمار می‌رفت و بدین سبب دستگاه خلافت، آن حضرت را تحت نظارت‌های شدید قرار داده بود. به حدی که حتی نایل قلبیای مأموریت داشتند به منزل امام(ع) رفت و آمد کنند و احیاناً اگر بخواهی بارباری (از دیدند گزارش دهند. از این رو مبداء و طایمان، علیه‌السلام، معجزوار و به صورت کاملا پوشیده و مخفی صورت گرفت و حتی سبب پیشی از آن ولادت مبارک، آثار تحمل بر راه واهم ماحده حضرتن شش ظاهر نشود.)

امام عسکری(ع) تقریبا همه راه عمر شریف خود را در تبعید با نیت از دنیا رفتن به سر برد. دو ساله بود که با امام هادی علیه‌السلام به سامرا آمد و به مدت ۲۰ سال همراه پدر، گاه در زندان و گاه تحت نظارت شدید به سر برد و پس از شش سال مدت امامت آن حضرت که کوتاهترین دوره امامت در بین پیشوایان تشیع است، این شرایط ادامه داشت. بدین سبب شیعیان نمی‌توانستند به راحتی نزد امام خود شایسته و با آن حضرت دیدار کنند.

رای نقل می‌کند می‌خواستیم به حضور امام عسکری(ع) شرفیاب شوم و مشکل خود را با آن حضرت در میان گذارم. اما اجازه نمی‌دادند کسی به حضور آن حضرت برسد. برخی گفتند امروز خلیفه، ما را حاضر نموده است و می‌توانی مطلب خود را در بین برادر ها امام هادی گفتی. کنسی وی می‌گوید من در میانه راه منتظر ماندم اما از فرط سستی که کنار کوچه به خواب رفتم، به ناگاه متوجه شدم کسی چویدستی خود را بر شانه من گذاشته است. چشم گشودم امام عسکری(ع) را دیدم که در امتداد راه می‌رفت و در همان حال بدون اینکه پرسشی کنم، پالسخر مرا فرمود و چون تحت نظر بود نتوانستیم با آن حضرت بیشتر گفتگو کنم.

امام عسکری(ع) در دوران شش ساله امامت خود با سه خلیفه عباسی همراه عصر بود. معزز، مهدی و معتمد. آن معجزات و کرامات فراوانی از حضرتش می‌دیدند،اما به نیتا ایمان نمی‌آوردند و تسلیم نمی‌شدند، بلکه آن امام مظلوم را مورد آذیت و آزار نیز قرار می‌دادند.

هنگامی که امام عسکری علیه‌السلام در زمان صلاح بن صغیر محبوس بود، عدلی از بنی عباس نزد وی رفتند و سفارش می‌کردند تا می‌توانی با این صحت باقی و اسبابش را از اسلب صلح گفت. چگونگی بر او سخت بگیرم؟! در حالی که دو نفر از شرورترین افراد خود را بر او گذاشتند و وی طایلی نکشید که آن دو اهل عبادت و تقوی الهی شدند. آنها حجاج بن وصیف در حضور عباسیان از دو نگهبان را احضار نمود و گفتن وای بر شما درباره زندانی خود که نامش شب را داردید بدیدید! گفتند چه می‌خواهید درباره کسی که روزها را به روزی میرود و زندانی خود تمام شب را عبادت و مناجات به هیچ می‌رساند که کسی سخن نمی‌گوید و به چیزی جز عبادت اشتغال ندارد و چون به ما می‌نگرد لرزه بر اندام ما می‌افتد به گونه‌ای که اختیار از تکف می‌دهیم. عباسیان چون این اعتراض را شنیدند دست خالی باز نداشتند.

علامه مجلسی (ع) قول قعیمی دعای علت باعث پازدهم را که متعلق است به وجود مقدس امام عسکری علیه‌السلام چنین آورده است: «یا بلام الله الحسین بنی‌آلِ عَدیَّ اَللّٰی طَرَحَ لَلْبِشَاج فُخْلَمَتَهُ من مَریضَها و اَمْتَنَ اَبْلاَوتَها لَلْعَدْلِ لَمَّا کَرِهَها» و متوسل به امام حسن بن علی علیه‌السلام می‌شوم امامی که در قفسش شیران انداخته شد و تو او را نجات دادی و با چارچاپان جوش و سرکش آنزده شده شد و تو آنها را برایشان رام نمودی(بحارالانوار ۸۶۳۲) این قرار دعا بود که او خدائهای داد و به کنه آن دست بسپاری (از جمله زاهد سفید قلند است.

۱. امام عسکری را به تبعیر سپردند وی در امام بسیار سخت می‌گرفت و از آزار آن حضرت هیچ کوتاهی نمی‌کرد. محضر حاکم و از این کار حذر داشت و گفت از خدا بترس که اینچنین اسلشی را با چنین محکم‌های عبادت آزار برسانی. آنچه را که زجر پاشخ داد در نهادت از امر کوتاهی نمی‌کنم بلکه او را بین درندگان می‌اندام. سپس از خلیفه اجازه گرفت و امام را در قفس درندگان انداخت. وی هیچ تردیدی نداشت که امام معتمد شیران می‌شود. پس از مدتی مأموران امام را کشته کردند تا ببینند چه اتفاقی افتاده است. ولی برخلاف انتظار، امام در سلامت کامل و به نماز ایستاده و شیران گرداگرد حاشی را احاطه کرده بودند. تحریر بلافاصله دستور داد امام را خارج کرده و به منزل ببرد.

۲. در اسبطل مستعین خلیفه عباسی، استسری بود به غایت بزرگ و زیبا اما به هیچ کیس سوارای نمی‌داد. پرورش‌دهندگان اسب هم موفق به رام کردن او نشده بودند. تا اینکه یکی از نزدیکان خلیفه به وی گفت نظر من این است که حسن بن رضا(امام عسکری را بخوابی تا این لیست را بر کند و یا بر اثر ضربه حیات کشته شود.

خبر را شنید و او را پرسیدند آیا می‌توانی امام عسکری(ع)موت به عمل آورد. چون آن حضرت وارد شد، نگاهش به استر که در محوطه خانه ایستاده بود افتاد. حضرت دست مبارک خود را بر پشت او گذاشت. رای وی گوید استر را دیدم چنان کرد که آب از بدنش جاری شد و بر زمین ریخت. گناهان او را ستمیند رفت. خلیفه از آن دیدم که خیر است. استر را نگام زد و زین کند و بر آن سوار شود. چون بطور بود؛ فرمود زینبار او را نددیدم. آنگاه خلیفه استر را به امام عسکری بخشید. سرانجام معتمد عباسی که نمی‌توانست وجود مقدس امام عسکری علیه‌السلام را تحمل کند، آن حضرت را در عنوان جوانی و در سن ۲۸ سالگی مسموم کرد و به شهادت رسانید.

غلام آن حضرت می‌گوید:آن جناب جمعه هجسته به بیت‌العالی مسلم ۲۴۰ امام عسکری علیه‌السلام به شهادت رسید. در محضر شریف او جز فرزند بزرگوارش حضرت حجت(عج) و

رای نقل می‌کند می‌خواستیم به حضور امام عسکری(ع) شرفیاب شوم و مشکل خود را با آن حضرت در میان گذارم. اما اجازه نمی‌دادند کسی به حضور آن حضرت برسد. برخی گفتند امروز خلیفه، ما را حاضر نموده است و می‌توانی مطلب خود را در بین برادر ها امام هادی گفتی. کنسی وی می‌گوید من در میانه راه منتظر ماندم اما از فرط سستی که کنار کوچه به خواب رفتم، به ناگاه متوجه شدم کسی چویدستی خود را بر شانه من گذاشته است. چشم گشودم امام عسکری(ع) را دیدم که در امتداد راه می‌رفت و در همان حال بدون اینکه پرسشی کنم، پالسخر مرا فرمود و چون تحت نظر بود نتوانستیم با آن حضرت بیشتر گفتگو کنم.

امام عسکری(ع) در دوران شش ساله امامت خود با سه خلیفه عباسی همراه عصر بود. معزز، مهدی و معتمد. آن معجزات و کرامات فراوانی از حضرتش می‌دیدند،اما به نیتا ایمان نمی‌آوردند و تسلیم نمی‌شدند، بلکه آن امام مظلوم را مورد آذیت و آزار نیز قرار می‌دادند.

روزنامه عبری «هاآرتص» با اشاره به اینکه ترامپ هیچ راهی پیشش روی خود نمی‌بیند و به نفع ایران است.

روزنامه بوکسوری کور شده‌است، اعلام کرد: زمان به نفع ایران است